

نسخه نهایی درمان زندگی ایرانی برای ترجمه

به نام خداوند جان و خرد
برنگذرد
خداوند نام و خداوند جای
رهنمای
خداوند کیوان و گردان سپهر
ناهید و مهر
کزین برتر اندیشه
خداوند روزی ده و
فروزنده ی ماه و

فیلم اول:
بیشگفتار:

این برنامه «درمان زندگی ایرانی» بر اساس «فلسفه خردگرایی مینوی و علمی» با کمک شعر و ادبیات ایران، که در چهار بخش و در هفت فیلم کوتاه ده دقیقه‌ای تهیه شده و همراه با فیلم مستند از آرامگاه فردوسی و باغ خیام و حافظیه شیراز و موسیقی اصیل ایرانی و شعرخوانی است، حاوی رویکرد و روش جدیدی در چگونگی نگرش به بهبود بخشی زندگی روان‌شناختی مردم ایران است.

فلسفه «خردگرایی مینوی و علمی» و نظریه «درمان زندگی ایرانی»، رویکردی است که نگرش انسانی و خردمندی و واقع‌گرایی علمی را راهنمای ترکیب پویای دانش روان‌شناسی با تاریخ و فرهنگ و موسیقی و شعر و ادب و طبیعت زیبای ایران قرار می‌دهد تا از این طریق به بهبود بخشی و درمان اندیشه و احساس و رفتار ایرانیان کمک کند.

در این رویکرد، جدا از طبیعت و وضعیت زیستی افراد که دارای همانندیهای انسانی و تفاوت‌های فردی است، مخصوص چگونگی رشد روان‌شناختی متأثر از خانواده و مدرسه و رسانه و محیط اجتماعی و ساختار و محتوای تعلیم و تربیت و وضعیت اجتماعی و فرهنگی است که تعیین‌کننده چگونگی

شکل‌گیری هویت و شخصیت و طرح‌های روانی و نقشه‌های شناختی و الگوهای رفتاری افراد است و در درمان و بهبودبخشی آنان نیز باید همه این عوامل مورد توجه قرار گیرد.

بنابراین، رویکرد «درمان زندگی ایرانی» مبتنی بر جنبه‌های گوناگون طبیعی و تاریخی و اجتماعی و فرهنگی و مردم‌شناسی و زیبایی‌شناختی در جریان رشد و بهبودبخشی است. از آنجا که در این برنامه کوتاه فرصت آن را نداریم که به همه این جنبه‌ها بپردازیم، فقط یک مورد را که بخشی از جنبه زیبایی‌شناسی و هنری و فرهنگی، یعنی شعر و ادب فارسی، و جایگاه آن در بهبودبخشی روان‌شناختی مردم ایران است، مورد توجه قرار می‌دهیم.

در مورد جنبه هنری و زیبایی‌شناختی و جایگاه شعر و ادب، باید اشاره کنیم که از آغاز تمدن بشری تا کنون، هنرها غالباً در خدمت التیامبخشی زخم‌های گروه‌های گوناگون مردم بوده‌اند.

ایرانیان نیز از هزاره‌های پیشین تا کنون، اندیشه و عواطف خود را با کمک هنرها و ترانه‌ها و شعر و ادبیات التیام بخشیده‌اند.

اما، و این یک امای بزرگ است که، کمبود اساسی آن بوده است که تولید و استفاده از هنر و ادبیات و جایگاه آن در بهبودبخشی و درمان زندگی تا کنون به صورت نظامدار بررسی و پژوهش و نظریه‌پردازی نشده است.

ادامه پیشگفتار با استفاده از تصویر کنگره هنر درمانی:

سخن کوتاه من در چهار بخش، در درون این برنامه رسانه‌ای فیلم و تصویر و موسیقی و شعر، ارائه می‌شود:

گفتار یکم در ضرورت نگاه نو به روان‌شناسی و درمانگری مردم ایران

گفتار دوم معنای «فلسفه خردگرایی مینوی» و رویکرد «درمان زندگی ایرانی»

گفتار سوم مدل مفهومی، راهبردها، و تکنیک‌های عملیاتی رویکرد «درمان زندگی ایرانی»

گفتار پایانی شکوفاسازی کیفیتهای وجود انسانی با تکیه بر دانش عینی و اندیشه درست و روی آوردن به طبیعت و فرهنگ و هنر و ادبیات

شعر و موسیقی:

فیلم دوم:

گفتار یکم: ضرورت نگاه نو به روانشناسی و درمانگری مردم ایران:

1- اولین مطلبی که در این گفتار لازم است اشاره کنم این است که: وضعیت زندگی فرهنگی و اجتماعی و روان-شناختی چند دهه اخیر در کشور ما به گونه ای بوده است که اضطراب و افسردگی و پرخاشگری و خلافکاری و کج اندیشی و مغالطه گری و خرافه گرایی و ترسهای مرضی و درماندگی آموخته شده و سایکوپاتی و ناراستی و ریاکاری و فساد اخلاقی و اجتماعی گستردگی بی سابقه ای یافته است.

به عنوان مثال، کافی است آنچه را در دستگاه قضایی می گذرد به یاد آوریم که بیش از ده میلیون پرونده جاری دارد که در هر پرونده چند نفر درگیرند. مگر مردمان بزرگسال کشور ما چند نفرند؟ و تو خود حدیث مفصل بخوان از این جمل!

2- مطلب دوم اینکه، تحقیقات ملی در مورد سطح سلامت روانی مردم ایران حاکی از آن است که:

حدود 25 درصد از مردم از اختلالهای روان شناختی سنگین و نسبتاً سنگین رنج می برند و بقیه مردم نیز دچار درجاتی از مشکلات خفیف و متوسط روانی هستند.

3- سوم آنکه، انتظار طبیعی آن است که نظامهای تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی و نهادهای فرهنگی و علمی به کاری سیستمیک در این مسأله حیاتی بپردازند اما در این مورد اثری از کوشش ثمربخش نمی بینید و گویی زمینه سازیهای مشکلات و اختلالهای روان شناختی و اجتماعی و فرهنگی به گونه ای از پیش تعیین شده و نظام یافته اشاعه می یابد.

4- نکته چهارم اینکه، تا آنجا که به درمان بیماریهای روانی مربوط است، کمیت و کیفیت کوششهای روان پزشکی و روان شناسی و مشاوره ای ایران نیز چنان نیست که انتظار دارید.

مثلاً تعداد کل درمانگران روان پزشکی و روان شناسی و مشاوره ای ایران در حال حاضر در حدود 4000 نفر است و

اگر هر یک از آنان هفته‌ای 40 ساعت و سالانه 40 هفته به کار درمان بپردازند و برای هر مراجع به 20 جلسه یکساعته درمانی نیاز باشد، هر درمانگر می‌تواند سالانه 80 مراجع و کل این درمانگران می‌توانند سالانه کمتر از دو درصد از نیازمندان را درمان کنند و مشکلات بیست و سه درصد باقیمانده بیماران همچنان به جای خود باقی می‌ماند. همچنین، افرادی که مشکلات سبک روانی دارند به کلی محروم از اقدامات بهبودبخشی نظام‌یافته روانی و اجتماعی و فرهنگی هستند و این مشکلات، آن‌گونه که در این سالها شاهد بوده‌ایم، مدام گسترش می‌یابد.

5- پنجمین مسأله که مهمتر نیز هست، این است که نوع نگرش و شیوه‌های درمانی در کشور ما به‌گونه‌ای نیست که بتواند راه‌حلهای ثمربخشی برای اکثریت مردم را که در هویت و شخصیت و طرحهای روانی و نظام اندیشه و الگوهای رفتاری خود مشکل دارند ارائه نماید. عموم روان‌شناسان و مشاوران نیز یک یا برخی از رویکردهای موجود درمانی را به‌کار می‌گیرند و کوششی برای بازسازی و نوآوری در آنها به عمل نمی‌آید. به بیان دیگر، ما نیازمند رویکرد مناسبی برای «درمان زندگی ایرانی» هستیم.

شعر و موسیقی:

با توجه به آنچه در بخش اول این برنامه ارائه شد، ما نیازمند آن هستیم که رویکردهای درمانی کارآمدتری را ابداع کنیم. این نیاز بخصوص برای درمان اکثریت عظیم مردم که مشکلات خفیف و میانی روان‌شناختی و اجتماعی و فرهنگی دارند شدیدتر است و به رویکرد مناسبی برای «درمان زندگی ایرانی» نیاز جدی داریم. با توجه به این وضعیت، دو سؤال اساسی پیش روی ما قرار می‌گیرد.

یکی اینکه مردم ایران چگونه باید دردهای روان-شناختی و روانی-اجتماعی و روانی-فرهنگی خود را التیام و بهبود بخشند؟ و

دیگر اینکه کمبودهای رویکردهای درمانی موجود را چگونه باید برطرف سازیم و کدام رویکرد نوآورانه را در این مورد می‌توان ارائه کرد؟

باید به عرض شما برسانم که بیش از چهل سال بررسی و تأملات من در روان‌شناسی و درمانگری مردم ایران به این نتیجه رسیده است که ما، برای پاسخگویی به این مسائل، نیازمند نگرشی نو در سه زمینه زیر هستیم:

1) کشف بنیادهای نظری درست برای درمانهای روان-شناختی،

2) شناخت دوباره اختلالات و مشکلات روانی مردم ایران و طبقه‌بندی آنها، و

3) ابداع رویکردها و شیوه‌های درمانی متناسب با این اختلالات و مشکلات روانی.

روش «درمان زندگی ایرانی P.L.T.» (Persian Life Therapy) بر اساس فلسفه «خردگرایی مینوی و علمی» با کمک طبیعت و تاریخ و تمدن و روحیات و فرهنگ و هنر و شعر و ادب ایران، با این نگرش ابداع شده تا پاسخ شایسته‌ای به همین سه مسأله بدهد.

اجازه بدهید ابتدا کمی موسیقی و شعر شادمانه گوش کنیم تا آنگاه به توضیح بیشتر رویکرد «درمان زندگی ایرانی» پردازیم.

شعر و موسیقی:

بخش دوم
فیلم سوم

در گفتار اول، به ضرورت نگرش جدید به روان‌شناسی و درمانگری مردم ایران اشاره کردم. در اینجا اضافه می‌کنم که روان‌شناسان، بویژه از زمان شکل‌گیری روان‌شناسی و نظریه‌های شخصیت در نیمه اول قرن گذشته میلادی تا کنون، بیش از 250 نظریه روان‌درمانی را ارائه کرده‌اند.

از این میان، بر رویکردهای روان‌پویائی، رویکردهای شناختی، رویکردهای رفتاری، و رویکردهای سیستمیک خانواده تأکید بیشتری می‌شود و، از سوی دیگر، رویکردهای درمانی ادلری و گشتالتی کمتر از همه مورد توجه روان‌شناسان بوده است.

این رویکردها همه در مغرب‌زمین ابداع شده و تا کنون نه تنها رویکرد درمانی تازه‌ای در ایران ابداع نشده

بلکه هیچ رویکردی برای درمان مردم ایران مناسب‌سازی نیز نشده است.

مسئله مهم دیگر این است که حتی درک و دریافتهای روان‌شناسان ایرانی و غرایرانی از طبقه‌بندی بیماران روانی متفاوت از یکدیگر است و مخصوص مراجعانی را که به فرهنگهای شرقی تعلق دارند نمی‌توان به راحتی در طبقه‌بندیهای تشخیصی روانپزشکی (از نوع DSM-IV) قرار داد.

موضوع مهم دیگر این است که نظریه‌های درمانی موجود، مخصوص وقتی پای مردمان فرهنگهای غرایروپایی و غرایمریکایی در میان است، عموماً دچار یکجانبه‌نگری و کاستن‌گرایی در بنیادهای نظری روان‌شناختی هستند و تمامیت وجود روان‌شناختی و اجتماعی و فرهنگی آدمی در یک نظریه واحد انعکاس نیافته است.

با چنین دریافتهایی است که «فلسفه خردگرایی مینوی و علمی» و نظریه «درمان زندگی ایرانی» بر سه ستون اساسی استوار شده که عبارتند از:

1- دانش عینی در حوزه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و فرهنگ،

2- خردمندی و روش درست‌اندیشیدن یعنی اتکاء بر تفکر منطقی و نقاد و خلاق، و

3- تکیه بر هستی مینوی انسانی و راستی و درستی و نیکی و آزادی و زیبایی و برابری و همدلی که ریشه در فرهنگ کهن ایرانی دارد.

طرح تمام جوانب و پیچیدگیهای این نظریه به دهها برنامه از این قبیل احتیاج دارد و در این برنامه فرصت نیست که حتی به اختصار به همه جوانب رویکرد «درمان زندگی ایرانی» اشاره کنیم بلکه از میان جنبه‌های طبیعی و تاریخی و اجتماعی و فرهنگی و مردم‌شناسی و زیبایی‌شناختی، فقط تکیه این رویکرد بر شعر و ادب فارسی را مورد توجه قرار می‌دهیم.

در مورد ادیبان و شاعران بزرگ ایرانی، باید گفت که اگرچه همه آنان به نحوی در التیام دادن و بهبودبخشی زندگی فکری و روانی و رفتاری ایرانیان سهم داشته و دارند اما از آن میان مخصوص می‌توان چند فرهیخته بی‌همتا را نام برد. از آن میان، حکیم فردوسی و خیام نیشابوری و حافظ شیرازی و سعدی در درجه اول اهمیت قرار

می‌گیرند. می‌توانیم بزرگان دیگری چون نظامی و خاقانی را نیز نام ببریم. و اگر بخواهیم از عارفان بزرگ نیز یاد کنیم، عطار نیشابوری و جلال‌الدین بلخی نیز در شمار استادان بزرگ درمانگری اندیشه و عواطف و رفتار ایرانیان بوده و هستند. در این برنامه پس از یاد خداوند از آغاز حماسه حکیم فردوسی، چهارده رباعی از خیام و دو غزل از حافظ را نیز در ادامه برنامه ارائه کرده‌ایم.

شعر و موسیقی:

فیلم چهارم

از میان آثار بزرگمردان شعر و ادب ایران، می‌دانیم که

حماسه حکیم فردوسی سند هویت ملی ما و شناسنامه ما است،

دیوان حافظ و رباعیات خیام نیز در بیشتر خانه‌های ایرانیان هست و خوانده می‌شود، و

ترانه‌های خیام به همه زبانها ترجمه شده و صدها ترجمه از آن در زبان انگلیسی به چاپ رسیده و، پس از انجیل، تنها کتابی است که بیش از هر کتاب کلاسیک دیگری به زبان انگلیسی در جهان انتشار یافته است. از خود بپرسیم که واقعا چه چیزی در رباعیات این حکیم بزرگ وجود دارد که چنین مورد اقبال جهانیان قرار گرفته است؟ و ما ایرانیان چه قدر او را می‌شناسیم؟ و چرا نمی‌شناسیم؟ و چرا لازم است که بشناسیم؟

ویژگی اصیل تفکر ایرانی در این آثار، نگرش انسان-گرایانه این حکیمان در تمام سروده‌های آنان است که در پی درمان اندیشه و احساس و رفتار مردم بوده‌اند.

مثلا به چهار بند یک رباعی، آری فقط یک رباعی اصیل از حکیم خیام نیشابوری، دقت کنید تا ببینید که او در مورد هویت و اهمیت انسانی ما و درمانگری جان و اندیشه ما چه نگرش درست و درمان‌کننده‌ای دارد:

مائیم که اصل شادی و کان غمیم، سرمایه دادیم و نهاد ستمیم؛

پستیم و بلندیم و کمالیم و کمیم، آئینه زنگ-خورده و جام همیم.

اندیشه‌های ارائه شده در ترانه‌های انسانی خیام، که در عصر استبداد و ستم و فریبکاری و جهل و خرافه سروده شده، امروز نیز برای ما که گرفتاریهای مشابهی داریم داروی شفابخش است.

خیام، ترانه‌های خود را در روزگار بیداد نادانی و ریاکاری و خرافه و در ظلمت تعصبات خونبار متشرعین، برای بیداری مردم سرود و راه شادمانی و آرامش و بهره‌گیری از زندگی را به آنان نمود.

با فهم زمانه او و با اجتناب از مغالطه تاریخی و دوری‌گزیدن از مغالطه همانندسازی مقتضیات گذشته و حال، اکنون نیز می‌توانیم جوهره بسیاری از داروهایی را که او تجویز کرده درمانگر نادانی و خرافه‌گرایی و افسردگی و روان‌رنجوری و درماندگیهای آموخته شده بدانیم.

باز هم بشنوید از این آفتابِ ظلمت‌قرون وسطا در سده یازدهم میلادی از ایرانشهر نیشاپور و خراسان و سرزمین خورشید:

شعر و موسیقی:

فیلم پنجم

بخش سوم

گفتار سوم، مدل مفهومی، راهبردها، و تکنیکهای عملیاتی رویکرد «درمان زندگی ایرانی»

در گفتارهای پیشین به ضرورت نگرش جدید به اختلالات و مشکلات روانی مردم ایران پرداختم و در مورد رویکرد درمان زندگی ایرانی بر اساس فلسفه خردگرایی مینوی و علمی نیز اشاره کوتاهی کردم.

در این گفتار، که در مورد مدل مفهومی و راهبردها و تکنیکهای عملیاتی رویکرد «درمان زندگی ایرانی» است، ابتدا لازم است اشاره کنم که مشکلات اساسی در زندگی روان‌شناختی مردم ایران، ناشی از چگونگی اندیشیدن، هویت، شخصیت، و روش زندگی کنونی آنان است.

سیستمهای محیطی و روان‌شناختی زندگی مردم از گذشته تا کنون در ذهن و خاطره و احساسات و هیجانات آنان و در روابطشان با دیگران بصورت‌های هشیار و نیمه‌هشیار و ناهشیار فعال است و پیشینه اجتماعی و فرهنگی زورگویی و ارباب و خرافه‌گرایی، نه تنها در ناخودآگاه تاریخی و

جمعی ایرانیان، بلکه در اندیشه و روش اندیشیدن و در هویت و شخصیت و سبک زندگی و رفتار آنان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و دارد.

مثلا

ما با مشکلات محتوا و کیفیت متعارض فراخود مردم، که اساسا در خانواده و مدرسه و رسانه و فضاهای فرهنگ عمومی در درون کودکان و نوجوانان و جوانان گذاشته می‌شود، با طبیعت و نهاد و نیازهای انسانی آنان مواجه هستیم.

از سوی دیگر، فشارها و مشکلات بیشمار زندگی واقعی، در کنار تعارض شدید نهاد و فراخود، با ایجاد "خود کم-توان و درمانده و ناستوار"، افراد را به یک یا برخی از اختلالهای روانی و مکانیسمهای بیمارگونه دفاعی دچار می‌سازد. احساس ناامنی، احساس نقص و شرم و بیچارگی، و احساس خودکم‌بینی و تنهایی که در اکثر مردم از کودکی شکل می‌گیرد، زمینه‌ساز این "خود کم‌توان و درمانده و ناستوار" است. صبر منفعل و حاشیه‌نشینی در به‌دست گرفتن تمام اختیارات زندگی اجتماعی و فرهنگی و سرسپردن به فرومایگی، که عرصه را برای شیادان و زورگویان باز می‌گذارد، نتیجه این مکانیسمهای بیمارگونه است.

مسأله اصلی این است که ساختمان شخصیت افراد و لایه‌ها و بخشها و اجزاء گوناگون شناختی و احساسی و رفتاری و اجتماعی و فرهنگی این ساختمان، که باید بر طبیعت انسانی آنان بنا می‌شد، دچار چنان انحرافها و نقصانهایی می‌شود که نیاز به درمان را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

رویکرد «درمان زندگی ایرانی» به معماری و نوسازی و بازسازی همین ساختار و نقشه‌های شناختی و هویت و شخصیت و لایه‌ها و بخشها و سطوح گوناگون آن می‌پردازد.

به ترتیبی که گفته شد،

رویکرد «درمان زندگی ایرانی» در چهار سطح قابل فهم و کاربرد است:

1) سطح اول، بنیاد فلسفی خردگرایی مینوی و علمی آن است،

2) سطح دوم، مدل مفهومی این رویکرد است،

3) سطح سوم، راهبردهای این مدل مفهومی است، و

4) سطح چهارم، تکنیکهای عملیاتی درمان در این مدل است.

در سطح عملیاتی درمان، که موضوع کار اطاق درمان است، بررسی و سنجش و تشخیص درست و طراحی برنامه درمانی بمثابة اساسی‌ترین گام درمانی است که خود یک اقدام پیچیده مبتنی بر روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی است.

شعر و موسیقی:

فیلم ششم

اجازه بدهید بگویم که تمام کمبودها و خطاهای درمانی در رویکردهای موجود از همان مرحله بررسی و سنجش و تشخیص و طراحی برنامه درمانی آغاز می‌شود و مخصوص در همین مرحله است که نیاز به بازنگری رویکردها و عملکردهای درمانی وجود دارد.

بنابراین، مراحل عملیاتی درمان شامل چهار مرحله زیر است:

اول- بررسی و سنجش و تشخیص و طراحی برنامه درمانی،
دوم- شناساندن گام به گام مشکل به درمانجو و تبیین طرحهای روانی و ساختارها و نقشه‌های شناختی و الگوهای رفتاری و ویژگیهای هویت و شخصیت او،

سوم- قرار گرفتن در کنار وی و پشتیبانی از او به منظور بازسازی عاطفی برای فراتر رفتن وی از افقهای موجود هویتی و شخصیتی و کنار زدن ناامنی و احساس شرم و بیچارگی، و

چهارم- مشارکت درمانگر و درمانجو در کشف ارتباط مشکلات درمانجو با بخشها و اجزاء ناکارآمد و مخرب هویت و شخصیت وی برای تغییر الگوهای رفتاری و دستیابی به افقهای روشن‌تر و گام گذاشتن در مرحله نیرومندسازی خود و بهبود رفتاری.

عملیات درمانی در این چهار مرحله، باید در تعامل مداوم و پویا قرار گیرد و گام به گام بر همه سطوح و لایه‌های شناختی و عاطفی و رفتاری دستگاه روان‌شناختی سایه افکند.

افزون بر آنچه گفته شد، سه راهبرد درمانی، در مراحل عملیات درمانی، باید زمینه‌ساز کوششهای تکنیکی

بهبودبخشی و درمان توسط درمانگر، و راهنمای عمل درمانجو باشد:

یکی، راهبردهای هستی‌شناسی و واقع‌بینی علمی در زمینه‌های گوناگون زندگی،

دو دیگر، راهبردهای تفکر منطقی و نقاد و خلاق و حل مسأله در حیات روان‌شناختی و اجتماعی و فرهنگی، و سه دیگر، راهبردهای مینوی و انسانی در نگاه همه‌جانبه به زندگی.

در همین مرحله عملیاتی کردن درمان بر اساس راهبردهای سه‌گانه مذکور، خاصه در مرحله بازسازی عاطفی و در بهره‌گیری از راهبرد سوم، است که روی آوردن به طبیعت و فرهنگ و هنر و ادب به کمک ما می‌آید و التیامبخش زخمهای روانی می‌شود.

اجازه بدهید پس از یک موسیقی کوتاه و ارائه چند ترانه تأملبرانگیز دیگر در مورد زندگی و شادمانی، ضرورت به دست گرفتن اختیار خویش برای دستیابی به سعادت را از غزل 486 حافظ بزرگ نیز بشنویم.

شعر و موسیقی:

فیلم هفتم

بخش چهارم

گفتار پایانی: شکوفاسازی کیفیتهای وجود انسانی با تکیه بر دانش عینی و اندیشه درست؛ و روی آوردن به طبیعت و فرهنگ و هنر و ادبیات

در بخش پایانی این برنامه، می‌خواهم اشاره کنم که شکوفاسازی ظرفیتهای و کیفیتهای وجودی ما با تکیه بر دانش عینی و روش درست‌اندیشیدن به تنهایی میسر نیست بلکه روی آوردن به عوالم مینوی و انسانی و به طبیعت و فرهنگ و هنر و ادبیات نیز برای این منظور ضرورت دارد.

به این ترتیب، رویکرد «درمان زندگی ایرانی» بر اساس «فلسفه خردگرایی مینوی و علمی» بر بهره‌گیری از شعر و ادبیات ایران، تأکید دارد.

اجازه بدهید، غزل 142 از دیوان غزلسرای بی‌همتای جهان، خواجه حافظ شیرازی را، که مکتب فردوسی و خیام را عمیقا آموخته و گسترش داده و بیشتر غزل‌های او جوهر خیامی و اندیشه آریائی مینوی و انسانی دارد، بشنویم.

من این غزل را در کنگرة سراسری هنر درمانی در تاریخ هفتم آبان 1388 خورشیدی خیامی ارائه کرده‌ام که در اینجا تقدیم شما می‌شود:

سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد
خود داشت زبیگانه تنها می‌کرد
گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است طلب از گمشدگان
لب دریا می‌کرد
مشکل خویش بر پیر مغان بردم دوش
تأیید نظر حل معما می‌کرد
دیدمش خرم و خندان قدح باده به دست
آینه صدگونه تماشا می‌کرد
گفتم این جام جهان‌بین به تو کی داد حکیم
روز که این گنبد مینا می‌کرد
بیدلی در همه احوال خدا با او بود
او نمی‌دیدش و از دور خدایا می‌کرد
گفت آن یار کزو گشت سر دار بلند
جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد
گفتمش سلسله زلف بتان از پی چیست؟
گفت حافظ گله-
ای از دل شیدا می‌کرد.

در این غزل مینوی، نکات زیر جالب توجه است:

1- طبیعت جستجوگر آدمی در پی شناخت هستی و دستیابی به سعادت است.

2- همه چیز ماییم و خود انسان است که جام جم و کنه اسرار هستی است،

3- اسرار هستی از آغاز شکل‌گیری وجود ما در درونمان نهفته است و طبیعت جستجوگر ماست که باید شکوفا گردد تا دستیابی به سعادت را ممکن سازد.

4- بجای آنکه از مدعیان از آسمان آمده، که خود گمشدگان لب دریای حقیقتند، برای شناختن گوهر خود پرس و جو کنیم باید خود را رشد دهیم تا جهان وجود را بشناسیم،

5- حکمت خسروانی آریائی و رهنمود پیرمغان، که قدح
باده شادمانی به دست دارد و ما را بدور از غمگستری و
تعزیه‌داری به سوی سعادت فرامی‌خواند، پاسخگوی این
سؤال پیچیده است،

6- با نوشیدن باده شادمانی و نظاره کردن بر قدح
هستی‌بخش دانایی و راستی و نیکی و زیبایی است که باید
این سر وجود را دریافت.

شعر و موسیقی: